

Yafei's View on the Succession of the Prophet (S) and His Successors (Three Successors) in *Merat al- Jenan*¹

Hasan Fatemi^{*}

Yusof Ghazbani^{**}, **Mohammad Suri**^{***}

(Received on: 2020-12-22; Accepted on: 2021-04-24)

Abstract

The followers of the Nematollahi sect believe that all their *qotbs* (spiritual leaders) are Shiites. Yafei (d. 768 A.H.) is one of these *qotbs* and the master of Sayyed Nematollah Wali. One of the prominent differences between Shiites and Sunnis is their different views on the succession of the Prophet (S). In his books, especially *Merat al-Jenan*, Yafei gave his opinions on these two issues. This research seeks to understand his religion by examining his views on the succession of the Prophet (S) and the first three caliphs. The findings of the research indicate that Yafei narrated eleven traditions on the virtues of the first caliph, sixteen traditions on the virtues of the second caliph, and twelve traditions on the virtues of the third caliph. Like Sunni scholars, he was silent about the succession of the Messenger of God (S) and the related events, and only narrated events that prove the succession of the first caliph. Therefore, according to the evidence, contrary to Nematollahi claim, he believes in the Sunni religion.

Keywords: First Caliph, Second Caliph, Third Caliph, Abdollah Yafei, Merat al-Jenan, Succession, Caliphate.

1. This article is taken from: Hasan Fatemi, "Examining the View of Nematollahi Qutbs towards Shiism; From Yafei to Kabudar Ahangi", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Emdad Turan & Yusof Ghazbani, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), hfatemi@urd.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Sufism and Islamic Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, ghazbani@urd.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran soori@isca.ac.ir.

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه)^۱

حسن فاطمی*
یوسف غضبانی**، محمد سوری***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴]

چکیده

پیروان طریقت نعمت‌اللهیه تمام اقطابشان را شیعه می‌دانند. یافعی (متوفای ۷۶۸ ه.ق.) یکی از این اقطاب و استاد سید نعمت‌الله ولی است. از تفاوت‌های برجسته شیعیان و اهل سنت، نگاه متفاوتشان به جانشینی پیامبر (ص) است. یافعی در کتبش، به‌ویژه *مرآة الجنان*، دیدگاهش را درباره این دو موضوع آورده است. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی دیدگاه‌های او درباره جانشینی پیامبر (ص) و سه جانشین نخست ایشان، به مذهب وی پی ببرد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که یافعی یازده حدیث در فضائل خلیفه اول، شانزده حدیث در فضائل خلیفه دوم و دوازده حدیث در فضائل خلیفه سوم نقل کرده و درباره جانشینی رسول خدا (ص) و حوادث مربوط به آن شبیه علمای اهل سنت سکوت کرده، و فقط وقایعی را نقل کرده است که جانشینی خلیفه اول را اثبات می‌کند. بنابراین، با توجه به شواهد و قرائن، برخلاف ادعای نعمت‌اللهیه، وی مذهب اهل سنت دارد.

کلیدواژه‌ها: خلیفه اول، خلیفه دوم، خلیفه سوم، عبدالله یافعی، *مرآة الجنان*، جانشینی، خلافت.

۱. برگرفته از: حسن فاطمی، بررسی دیدگاه اقطاب نعمت‌اللهیه نسبت به تشیع؛ از یافعی تا کیودرآهنگی، رساله دکتری، استاد راهنما: امداد توران و یوسف غضبانی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.

* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) hfatemi@urd.ac.ir
** استادیار گروه تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران ghazbani@urd.ac.ir
*** استادیار گروه فلسفه و کلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران soori@isca.ac.ir

مقدمه

یافعی یکی از اقطاب صوفیه است که به‌خصوص در طریقت نعمت‌اللهیه جایگاه ویژه‌ای دارد. چنان‌که شاه نعمت‌الله ولی، سرسلسله طریقت نعمت‌اللهیه، او را مرشد و استاد خود می‌داند و در اشعارش از وی مدح فراوان کرده است^۱ (دیوان شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۶: شماره ۷۱). او از اکابر مشایخ و مرجع بسیاری از بزرگان و عرفا و جامع علوم ظاهری و باطنی بوده، و از شش نفر از مشایخ سلاسل اجازه ارشاد و هدایت داشته است (واعظی، ۱۳۳۵: ۲۵۶). نعمت‌اللهیه، به‌خصوص گنابادی‌ها، تمام اقطابشان از جمله یافعی را شیعه می‌دانند؛ مثلاً تابنده، نویسنده کتاب *خورشید تابنده*، درباره یافعی می‌نویسد:

شیخ عبدالله یافعی ملقب به عقیف‌الدین، از اکابر مشایخ و علمای مشهور و مورخین بنام و صاحب تصنیفات و تألیفات متعدد در قرن هشتم‌اند که چون در محیط سنی‌مذهب و عمدتاً ناصبی ساکن بودند، تقیه می‌فرمودند، ولی به قول پدر بزرگوارم، از تعصب در تشیع، نزدیک‌ترین مرید و جانشین ایشان، حضرت شاه نعمت‌الله ولی می‌توان به تشیع شیخ نیز پی برد (تابنده، ۱۳۷۷: ۴۴).

بنابراین، باید بررسی شود که چرا یافعی در دورانی که در مناطقی ساکن بود که سنی‌ناصبی در آن مناطق وجود نداشت، دیدگاه‌های شیعی‌اش را بیان نکرده یا در آثار فراوانش هیچ اشاره‌ای به عقاید شیعی‌اش نکرده است. ضمن اینکه مدعی تقیه، برای اثبات دیدگاهش باید مستندات دالّ بر تقیه مطرح کند و فضای سیاسی اجتماعی زمانه او را، که لزوم تقیه را نشان دهد، ترسیم کند.

یافعی در یکی از کتاب‌های معروفش به نام *مرآة الجنان* که کتابی تاریخی است، به صورت سال‌شمار تاریخ ممالک اسلامی از سال اول هجری، تا عصر مؤلف را آورده است. او در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی، به‌ویژه درباره سه خلیفه اول و جانشینی رسول خدا (ص)، مفصلاً دیدگاهش را بیان کرده و در مسائل اختلافی جانبدارانه سخن گفته است که با توجه به این شیوه بیان می‌توان به مذهبش پی برد.

درباره یافعی به جز مقاله «احوال و آثار شیخ عبدالله یافعی» (غلام‌نژاد و سخایی، ۱۳۸۴) تحقیق علمی دیگری انجام نشده است. از این رو پژوهشی که مذهب واقعی یافعی را مشخص کند و درستی یا نادرستی ادعای تشیع او را نشان دهد، ضروری به نظر می‌رسد.^۲ برای دستیابی به مذهب او باید دیدگاه شیعه و اهل سنت را درباره این دو موضوع اختلافی بیان، و سپس دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* را با این دو دیدگاه مقایسه کرد. این پژوهش که در نوع خود بنیادی است، از روش پژوهش کشفی و توصیفی و تا حدی از روش مقایسه‌ای بهره می‌برد. در اینجا ابتدا دیدگاه یافعی را درباره جانشینی رسول خدا (ص) بررسی، و در ادامه از دیدگاهش درباره سه خلیفه بعد از پیامبر (ص) بحث می‌کنیم.

۱. دیدگاه یافعی درباره جانشینی رسول خدا (ص)

بیشتر مورخان و سیره‌نویسان سخنان رسول خدا (ص) را درباره جانشینی خود مطرح کرده‌اند؛ شیعه معتقد است جانشینی پیامبر (ص) ادامه نبوت است و پیامبر (ص) از طرف خداوند، امام علی (ع) را برای جانشینی‌اش انتخاب، و بارها آن را اعلام کرد. در اینجا از کتاب *مرآة الجنان* یافعی و همچنین از منظر علمای شیعه و اهل سنت شش واقعه‌ای را که در آن جانشینی رسول خدا (ص) مطرح شده است بیان، و سپس دیدگاه یافعی را با دیدگاه این دو گروه مقایسه می‌کنیم.

۱.۱. دیدگاه یافعی درباره یوم الانذار

یوم الانذار^۳ روزی است که رسول اکرم (ص) تعدادی از خویشان را به مهمانی دعوت کرد و پس از ابلاغ رسالتش، آنها را به اسلام فرا خواند. در آن روز پیامبر (ص) پس از پذیرایی از خویشانش، ضمن معرفی خود به عنوان رسول خدا (ص)، خطاب به آنها فرمود: «چه کسی حاضر است مرا یاری کند تا پس از من جانشین و وصی من باشد؟». در اینجا کسی جز علی بن ابی‌طالب (ع) حاضر نشد پاسخ مثبت بدهد. منابع شیعه و سنی درباره این واقعه به تفصیل سخن گفته‌اند. شیعیان معتقدند رسول خدا (ص) مسئله

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) ۲۳۷/

ولایت و خلافت امام علی (ع) را بارها بیان کرده است. یکی از احادیثی که جانشینی امام علی (ع) را اثبات می‌کند، حدیث یوم الانذار است. از این رو، علما و متکلمان شیعه برای اثبات جانشینی و خلافت بلافصل پیامبر (ص) به این حدیث تمسک کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۹ و ۴۰؛ نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ۱/۳۲۵؛ سید بن طاووس، ۱۴۰۰: ۱/۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۲۰۶/۷؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۰۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲/۱۸۵؛ امینی، ۱۴۱۶: ۲/۲۸۰). بنابراین، حدیث یوم الانذار در منابع شیعی با تأکید فراوان برای اثبات جانشینی امام علی (ع) نقل شده است.

به دلیل اهمیت واقعه یوم الانذار در مقطع تاریخی مهم صدر اسلام، بیشتر علمای اهل سنت هم آن را نقل کرده‌اند؛ با این حال، در محل وقوع و چگونگی اش اختلاف نظر دارند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷/۱۸۲؛ طبری، بی‌تا: ۱/۲۱۷؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳/۴۸۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۲/۶۰-۶۳؛ ابن کثیر، بی‌تا: ۳/۵۰-۵۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/۱۸۶-۱۸۹؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ۵/۹۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۵۴۲-۵۴۳؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۲۶۲). بنابراین، علمای اهل سنت هم با نقل قول‌هایی اصل حادثه را گزارش کرده‌اند. با توجه به نقش مهم یوم الانذار در تاریخ صدر اسلام و تأکید رسول خدا (ص) بر جانشینی خویش و نقل آن در منابع شیعی و علی‌رغم اینکه برخی علمای اهل سنت نیز به تفصیل در این باره سخن گفته‌اند، یافعی در *مرآة الجنان* که کتابی تاریخی است به واقعه‌ای با این اهمیت توجهی نکرده و از نقل و شرح بیان حادثه خودداری کرده است.

۲.۱ دیدگاه یافعی درباره غدیر

رسول خدا (ص) در سال دهم هجری به همراه بیشتر صحابه، آخرین حجش را انجام داد که به حجة الوداع مشهور شد و امام علی (ع) هم از یمن به همراه تعدادی از صحابه به ایشان ملحق شد؛ پس از بازگشت از حج، پیامبر خدا (ص) در هجدهم ذی‌الحجه به دستور خدا در محل غدیر خم، امام علی (ع) را به جانشینی‌اش تعیین کرد. علمای اسلام با توجه به دیدگاهشان آن واقعه مهم را نقل کرده‌اند. هرچند در این باره بین علمای شیعه و سنی اختلاف است، در اصل واقعه اختلافی نیست، بلکه اختلاف در تفسیر آن است.

شیعیان واقعه غدیر را محدود به جانشینی رسول خدا (ص) نمی‌دانند بلکه آن را سرنوشت بشر در طول تاریخ می‌دانند؛ ائمه بر زنده نگه‌داشتن آن بسیار تأکید کرده‌اند. از این رو توجه خاصی به آن واقعه شده است. مثلاً امینی با تلاشی فراوان به جمع‌آوری همه احادیث مربوط به واقعه غدیر در منابع مختلف در کشورهای بسیاری همت گماشت و کتاب *گران‌سنگ‌الغدیر* را نوشت (نک: امینی، ۱۴۱۶: ج ۱). همه منابع شیعی ضمن نقل واقعه غدیر درباره جزئیاتش سخن گفته‌اند و آن را از دلایل مهم جانشینی حضرت علی (ع) می‌دانند (مشایخ فریدنی، ۱۳۶۰: ۱۸۰/۶-۱۸۳).

علمای اهل سنت به واقعه غدیر رویکرد متفاوتی دارند؛ گروهی با پذیرش اصل واقعه غدیر، برداشتی جدای از شیعه دارند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۰۸/۲-۱۱۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۷۲/۸؛ شهرستانی، بی‌تا: ۱۶۳/۱؛ ابن‌کنیر، بی‌تا: ۲۲۸/۵؛ حلبی، بی‌تا: ۳۳۸/۳؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ۴۳۰/۳۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۱۱۸/۳؛ ابن‌ماجه، ۱۴۰۸: ۴۳/۱؛ ح ۱۱۶). دسته‌ای دیگر به واقعه غدیر خم اشاره‌ای کوتاه داشته‌اند (ابن‌قتیبه، ۱۳۶۳: ۱۰۹۹/۳؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ۱۳۲؛ ابن‌عبدالبر، ۱۹۹۲: ۱۰۹۹/۳) و تعدادی از آنها در برابر این حادثه مهم سکوت کرده‌اند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۴۰۲/۲-۴۰۴؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۸: ۱۵۰/۱-۱۵۱). با توجه به تصریح *الغدیر*، حدیث غدیر را احمد بن حنبل از ۴۰ طریق، ابن‌جریر طبری از ۷۲ طریق، جزری مقری از ۸۰ طریق، ابن‌عقده از ۱۰۵ طریق، ابوسعید سجستانی از ۱۲۰ طریق، ابوبکر جعابی از ۱۲۵ طریق (امینی، ۱۴۱۶: ۴۰/۱) و حافظ ابوالعلاء عطار همدانی نیز از ۲۵۰ طریق (همان: ۱۵۸/۱) نقل کرده است. برخی از علمای اهل سنت، از جمله ابن‌حجر، اسناد حدیث غدیر را بسیار دانسته و بیشتر اسنادش را صحیح و حسن به شمار آورده‌اند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۸: ۶۱/۷). از این رو اکثر علمای اهل سنت نیز به واقعه غدیر توجه خاصی داشته‌اند.

غدیر از حوادث مهم صدر اسلام است که به جانشینی رسول خدا (ص) اشاره دارد. یافعی ضمن بیان حوادث سال دهم به حجة‌الوداع اشاره می‌کند، اما از واقعه غدیر هیچ نام و یادی به میان نمی‌آورد. وی به نقل حدیث «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» بسنده می‌کند و به اصل واقعه غدیر خم هیچ اشاره‌ای نکرده است (یافعی، ۱۴۱۷: ۹۰/۱). روش وی در این موضوع شبیه کتب حدیثی صحاح شش‌گانه است که فقط به نقل احادیث

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۳۹

بسند کرده‌اند؛ یافعی از آن‌رو که مورخ است باید در کتاب تاریخی‌اش زمان، مکان و دلالت حدیث غدیر را نقل می‌کرد. بنابراین، در نقل واقعه غدیر خم برخلاف شیعیان و حتی گروهی از اهل سنت فقط به ذکر حدیث بسنده کرده و حتی از ذکر اصل ماجرا خودداری کرده است.

از دیدگاه تشیع، مسئله بسیار مهم رهبری دینی و دنیایی مردم پس از ارتحال پیامبر (ص) بدون تکلیف مشخص رها نشده، بلکه رسول اکرم (ص) از اولین روز دعوتش تا پایان عمر، این مسئله مهم را بیان کرده و در مناسبت‌های مختلف حضرت علی (ع) را به خلافت بلافصل بعد از خویش معرفی کرده است. حدیث غدیر یکی از روایات فراوانی است که بر این امر دلالت دارد، اما یافعی نه تنها به جانشینی حضرت اشاره نکرده، بلکه حوادث آخرین روزهای عمر رسول خدا (ص) را به گونه‌ای نقل کرده است که حقانیت جانشینی ابوبکر را اثبات می‌کند.

۱.۳. دیدگاه یافعی درباره حدیث ثقلین

مطابق کتب شیعه و اهل سنت، رسول خدا (ص) در آخرین روزهای زندگی‌اش توصیه‌های مهم و سرنوشت‌سازی برای آینده جهان اسلام داشت که یکی از آنها حدیث ثقلین است. حضرت رسول (ص) فرمود: «من از میان شما می‌روم اما همانا دو چیز سنگین میان شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. همانا آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا روزی که در کنار حوض بر من وارد شوند». شیعه و اهل سنت این حدیث را نقل، و درستی‌اش را تأیید کرده‌اند. شیعیان با تکیه بر این حدیث، به لزوم امامت، عصمت و تبعیت از امامان (ع) و مرجعیت علمی آنان و نیز دوام امامت در همه زمان‌ها معتقدند. منابع شیعه این حدیث را نقل کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۰/۱؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۲: ۷۴؛ صفار قمی، ۱۴۰۴: ۴۱۲-۴۱۴؛ صدوق، ۱۴۰۰: ۶۲؛ جوینی خراسانی، ۱۴۰۰: ۲۶۸). بیشتر کتب حدیثی اهل سنت نیز این حدیث را نقل کرده‌اند (ترمذی، ۱۴۰۱: ۶۶۲/۵، ح ۳۷۸۶؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ۳۷۱/۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۱۸۷۳/۲). این حدیث به جایگاه ویژه اهل بیت (ع) اشاره می‌کند و منابع شیعه و اهل سنت آن را به طرق گوناگون نقل

کرده‌اند و حتی برخی صاحب‌نظران معتقدند حدیث ثقلین از مطالبی است که باعث تقریب مذاهب می‌شود؛ اما یافعی هیچ اشاره‌ای به این حدیث نکرده است.

۱.۴. دیدگاه یافعی درباره جانشینی پیامبر (ص) در اقامه نماز جماعت

روزهای آخر عمر رسول خدا (ص) بیماری ایشان اوج گرفت؛ از این‌رو رسول خدا (ص) توانایی حضور در مسجد را نداشت. پیامبر (ص) کسی را به جای خود فرستاد. در نقل گزارش‌های مربوط به این واقعه، از جمله چگونگی برگزاری نمازها، تعداد نمازها و اقامه‌کننده نمازها بین علمای شیعه و سنی اختلافات فراوانی وجود دارد. برخی از اهل سنت یکی از شایستگی‌های ابوبکر برای خلافت را انتخاب وی از طرف رسول خدا (ص) برای اقامه نماز جماعت می‌دانند (مالک بن انس، ۲۰۰۴: ۱۳۶/۱؛ بخاری، بی‌تا: ۱۳۳/۱). اهل سنت درباره جانشینی ابوبکر در نماز، یازده روایت از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که ده روایت از صحیح بخاری و یک روایت از موطأ است. در این روایات سه دیدگاه وجود دارد: گروه اول روایات نمازخواندن ابوبکر به جای پیامبر (ص) را تأیید می‌کنند (بخاری، بی‌تا: ۱۴۳/۱)؛ گروه دوم معتقدند ابوبکر هنوز نماز را نخوانده بود که پیامبر (ص) از راه رسید و ابوبکر به وی اقتدا کرد (همان: ۱۳۷/۱)؛ سومین گروه از علمای اهل سنت نماز ابوبکر را به دستور پیامبر (ص) ندانسته و آن را به دستور دخترش عایشه می‌دانند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۴۳۹/۱). پس برخی از علمای اهل سنت از طریق نقل اقامه جماعت به امامت ابوبکر، در پی اثبات شایستگی ابوبکر برای خلافت‌اند.

بیشترین تأکید یافعی در نقل حوادث روزهای پایانی عمر رسول خدا (ص) همین اقامه نماز جماعت به امامت ابوبکر است. وی به طرق مختلف نماز ابوبکر را نقل کرده است؛ اول به نقل از انس بن مالک که در آن پیامبر (ص) به مردم اشاره کرد در جایش مستقر شوند و ابوبکر امام جماعت آنها شود؛ سپس به چهار طریق مسئله امامت ابوبکر در نماز را نقل می‌کند (یافعی، ۱۴۱۷: ۵۲). این عمل یافعی به مواضع اهل سنت شباهت دارد. علمای شیعه ضمن رد احادیث مربوط به نمازخواندن ابوبکر به جای رسول خدا (ص) به آن احادیث ایراداتی گرفته‌اند (عاملی، ۱۴۲۶: ۳۱۶/۳۲) و نمازخواندن ابوبکر را

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۴۱

دلیلی بر تقدم جانشینی رسول خدا (ص) نمی‌دانند، زیرا جانشین وی به نص انتخاب شده است نه به شورا.

هرچند حدیث اقامه نماز جماعت به امامت ابوبکر را برخی علمای اهل سنت نقل کرده‌اند، هیچ یک از علمای شیعه این حدیث را نقل نکرده‌اند. یافعی برخلاف شیعیان، و همانند علمای اهل سنت، در نقل این روایت عمل کرده است. چون یکی از دلایل اهل سنت برای جانشینی ابوبکر، نماز خواندن او به جای رسول خدا (ص) است، تأکید بیش از حد یافعی بر این موضوع را می‌توان برای اثبات جانشینی خلیفه اول دانست که این مطلب با عقاید شیعه سازگاری ندارد.

۱.۵. دیدگاه یافعی درباره حدیث دوات و قلم

یکی از روایاتی که از لحظات پایانی عمر رسول خدا (ص) گزارش شده است حدیث وصایت، معروف به حدیث دوات و قلم، است. در لحظات پایانی عمر پیامبر (ص) ایشان فرمود: «برای من نوشت‌افزاری بیاورید تا مطلبی را بنویسم که بعد از من گمراه نشوید» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۲۰/۱۲-۲۱). اما یکی از صحابه پیامبر (ص) مانع شد و گفت کتاب خدا ما را کفایت می‌کند. مورخان و محدثان بسته به نگرش و سلیقه‌شان مطالبی را درباره این حدیث نقل کرده‌اند. از این‌رو علمای شیعه و اهل سنت درباره این حدیث دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

علمای شیعه معتقدند پیامبر (ص) در حدیث دوات و قلم قصد داشت برای آخرین بار بر جانشینی‌اش تأکید کند و امام علی (ع) را جانشین خودش اعلام کند (نعمانی، بی‌تا: ۸۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۴/۱؛ ابن‌شهر آشوب، بی‌تا: ۱۹۹/۱؛ سید ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۵/۱۶). بیشتر مورخان اهل سنت به این حدیث و ممانعت یکی از صحابه از اجرای امر پیامبر (ص) اشاره کرده‌اند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۱۰۰۷/۱؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۸: ۳۶؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۴/۲؛ نیشابوری، ۱۴۰۷: ۱۳۵۷/۳؛ طبری، بی‌تا: ۱۹۲/۳؛ دیاربکری، بی‌تا: ۱۶۴/۲؛ ابن‌حنبل، ۱۴۳۰: ۳۲۵/۱؛ بخاری، بی‌تا: ۱۶۱/۸). برخی از منابع اهل سنت تأکید کرده‌اند که هدف رسول خدا (ص) از این درخواست، مکتوب کردن جانشینی ابوبکر بوده است (بخاری، بی‌تا: ۳۷/۱ و ۶۶/۴ و ۱۳۷/۵-۱۳۸ و ۹/۷). یافعی حدیث وصایت را از صحیح مسلم نقل کرده است. او

می‌نویسد پیامبر (ص) به عایشه فرمود: «پدر و برادرت را برای من صدا بزن تا نامه‌ای بنویسم، می‌ترسم که آرزومندی تمنا کند و گوینده‌ای بگوید من، [خلیفه بعد از پیامبر (ص) منم] در حالی که خدا و مؤمنان از غیر ابوبکر ابا دارند» (یافعی، ۱۴۱۷: ۵۲). دیدگاه یافعی درباره حدیث وصایت کاملاً برخلاف روایات شیعی است؛ به عبارتی، وی در نقل این حدیث در قامت اهل سنت ظاهر شده است.

۱.۶. دیدگاه یافعی درباره سقیفه

اولین واقعه پس از رحلت پیامبر (ص) تجمع عده‌ای از صحابه در مکانی به نام سقیفه برای تعیین اولین خلیفه پیامبر (ص) بود که سبب ایجاد اختلاف بین مسلمانان شد. منابع شیعی و اهل سنت در نقل سقیفه کاملاً متفاوت عمل کرده‌اند. شیعیان جریان سقیفه و به مشورت گذاشتن جانشینی رسول خدا (ص) را سرپیچی از دستوره‌ای خدا و رسولش (ص) می‌دانند و معتقدند خدا جانشین پیامبر (ص) را تعیین کرده و رسول خدا (ص) بارها آن را بیان کرده است و شواهد فراوانی از جمله واقعه یوم الانذار، حدیث غدیر، ماجرای پیمان اخوت، غزوات خندق و خیبر، مسدودکردن درب خانه‌های اصحاب به مسجدالنبی غیر از خانه علی (ع) را مطرح کرده‌اند (مظفر، ۱۳۱۶: ۶۰-۶۵) و اصل اجماع در سقیفه برای تعیین جانشین را غیرقانونی و غیرشرعی می‌دانند.

اهل سنت برای مشروعیت بخشیدن به خلافت ابوبکر به اصل اجماع در سقیفه استناد کرده‌اند (ابن قتیبه، ۱۳۶۳: ۲۲/۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۲). در برخی منابع قدیمی حادثه سقیفه مفصلاً بیان شده (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۴۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۶۲) و برخی منابع از درگیری شدید صحابه در سقیفه و حتی برخی از حق علی بن ابی طالب (ع) برای خلافت سخن به میان آورده و از وی دفاع کرده‌اند (یعقوبی، بی‌تا: ۱۲۳). ولی نقل سقیفه در بیشتر منابع اهل سنت به صورت خلاصه و بدون بیان جزئیات آمده است.

عبدالله یافعی در *مرآة الجنان* حادثه سقیفه را به اختصار نقل کرده است. وی در شرح ماجرای سقیفه خلاصه‌وار می‌نویسد به پیشنهاد عمر، مردم با وی (ابوبکر) بیعت کردند؛ در ادامه، انتخاب ابوبکر را بیعتی خوب و زیبا توصیف می‌کند (یافعی، ۱۴۱۷: ۵۳) که این

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۴۳

شیوه نقل، با منابع اهل سنت سازگار است. بنابراین، روش یافعی در نقل ماجرای سقیفه و موافقتش با نتیجه آن مطابق با منابع اهل سنت است. حال آنکه شیعیان تشکیل جلسه در سقیفه را نامشروع دانسته و حوادث آن را با جزئیات مطرح کرده‌اند. از این رو یافعی در نقل و موضع‌گیری درباره وقایع سقیفه به منابع شیعه توجهی نکرده و فقط طبق منابع اهل سنت عمل کرده است.

چنان‌که گذشت، یکی از راه‌هایی که مذهب فرد مسلمان را نشان می‌دهد دیدگاه وی درباره جانشینی رسول خدا (ص) است. علمای شیعه و اهل سنت وقایع و احادیث مربوط به این موضوع را به شکل‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. دیدگاه یافعی به کدام یک از این دو گروه نزدیک است؟ از طرفی سکوت او در واقعه یوم الانذار، واقعه تاریخی غدیر خم و نقل نکردن حدیث تقلین، و از طرف دیگر تأکید بیش از حد بر حدیث جانشینی ابوبکر در اقامه نماز جماعت علی‌رغم تذبذب در نقل آن، و نقل حدیث دوات و قلم برخلاف روایات شیعی و به نفع خلیفه اول و مشروع دانستن جریان سقیفه و نتایجش مطابق روایات اهل سنت است و پذیرش خلافت ابوبکر از گرایش وی به اهل سنت حکایت دارد؛ پس برخلاف نظر نعمت‌اللهیه نمی‌توان او را شیعه دانست.

۲. دیدگاه یافعی درباره جانشینان رسول خدا (ص)

یافعی در *مرآة الجنان* درباره سه خلیفه اول فضائلی نقل کرده است. او در نقل برخی از فضائل، به‌ویژه درباره خلیفه نخست، به روشی ورود کرده است تا جانشینی وی را اثبات کند.

۲.۱. دیدگاه یافعی درباره خلیفه اول

یافعی در *مرآة الجنان* ضمن بررسی حوادث سال یازدهم هجری قمری با بیان احادیثی از پیامبر (ص) درباره خلیفه اول، فضائلی را از بیان آن حضرت (ع) درباره او آورده است. در اینجا از باب نمونه چهار حدیث از احادیثی را که در کتابش آورده است بیان و سپس شیوه بیان او را با منابع شیعه و اهل سنت مقایسه می‌کنیم.

یافعی در *مرآة الجنان* از ابوبکر با فضائل فراوانی یاد کرده است. وی ابوبکر را صاحب بزرگی و افتخار، سرور مهاجران و انصار، سبقت‌گیرنده در فضل و ایمان (همان: ۵۷)، یگانه همنشین پیامبر (ص) در دنیا و آخرت، دوست، بهترین مردم (خیر البریه)، باتقواترین، عادل‌ترین و باوفاترین افراد بعد از پیامبر (ص)، محبوب‌ترین افراد نزد پیامبر (ص) (همان: ۵۸)، یگانه فرد شایسته برای بازماندن خوچه^۴ خانه وی، مهربان‌ترین فرد به امت رسول خدا (ص)، دارای برتری در میان امت، آزادشده از دوزخ (همان: ۵۹)، جانشین پیامبر (ص) در نماز (همان: ۵۲) و اولین مسلمان مرد (همان: ۶۰) می‌داند؛ بنابراین یافعی برخلاف شیعیان، با ذکر فضائلی فراوان از خلیفه اول یاد کرده است.

همه فضائلی که یافعی در تمجید از خلیفه اول ذکر کرده به نقل از منابع اهل سنت، به‌ویژه صحاح شش‌گانه، است (همان: ۱۵۹). از باب نمونه چهار حدیث از احادیثی را بررسی می‌کنیم که یافعی در فضیلت خلیفه اول نقل کرده است.

دوستی در دنیا و آخرت با رسول خدا (ص) از جمله فضائلی است که یافعی در *مرآة الجنان* برای ابوبکر بیان کرده است (همان: ۵۸). محدثان اهل سنت روایت «خَلَّتْ و دوستی» (دوستی پیامبر با ابوبکر) را در کتاب‌هایشان از طریق عده‌ای از صحابه به رسول خدا (ص) نسبت داده‌اند و با الفاظ و عبارات مختلف نقل کرده‌اند (بخاری، بی‌تا: ۷۳۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۶۵۹؛ ابن‌ماجه، ۱۴۰۸: ۱۷، باب ۱۱، ح ۹۳؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ۲۷۰ و ۳۵۹ و ۳۷۷). این در حالی است که هیچ‌یک از منابع شیعی، حدیث خَلَّتْ و دوستی را در فضیلت ابوبکر نقل نکرده‌اند و حتی بعضی از علمای شیعه فصلی در ردّ فضائل وی نگاشته‌اند (امینی، ۱۳۹۷: ۲۱۱/۳).

فضیلت دیگری که یافعی در *مرآة الجنان* برای ابوبکر بیان کرده این است که او بهترین مردم (خیر البریه) بعد از پیامبر (ص) است (یافعی، ۱۴۱۷: ۵۸). این فضیلت نیز فقط در کتب اهل سنت نقل شده است (ابن‌ابی‌شیبۀ (عوامة)، ۱۴۲۹: ۳۴۴؛ ابن‌حنبل، ۱۴۳۰: ۱۳۳/۱؛ آجری، ۱۴۲۰: ۱۷۹۲/۴). جمهور علمای شیعه و حتی برخی علمای اهل سنت این فضیلت را از فضائل امام علی (ع) می‌دانند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۷۹/۶؛ اخطب خوارزم، ۱۴۱۱: ۲۰۶). از این‌رو یافعی در نقل حدیث خیر البریه به منابع شیعه اعتنایی نکرده است.

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۴۵

سومین حدیثی که یافعی در فضیلت ابوبکر نقل کرده، حدیث خوچه خانه ابوبکر است. او تأکید می‌کند همه این احادیث در کتب صحاح ذکر شده است (یافعی، ۱۴۱۷: ۵۹). علاوه بر آن، برخی دیگر از اهل سنت نیز در کتبشان این حدیث را نقل کرده‌اند (ابن کثیر، بی‌تا: ۲/۲۷۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۵/۵؛ نسائی، ۱۳۷۱: ۵۹/۱؛ بخاری، بی‌تا: ۱/۱۰۰/۱، ح ۴۶۷)، اما برخی مورخان اهل سنت از جمله ابن سعد نوشته‌اند علمای شیعه معتقدند این حدیث در مقابل حدیث سد الابواب نقل شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۰۱/۵ و ۱۷۸/۲) و هیچ یک از علمای شیعه این حدیث را در منابعشان نیاورده‌اند. بنابراین، یافعی در این موضوع هم فقط از منابع حدیثی اهل سنت استفاده کرده است.

اینکه ابوبکر اولین مرد مسلمان است نیز فضیلت دیگری است که یافعی در *مرآة الجنان* نقل کرده است (یافعی، ۱۴۱۷: ۶۰). این روایت در کتب اهل سنت نقل شده است^۵ (طبری، بی‌تا: ۲/۳۱۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۴/۱). جمهور علمای شیعه و تعداد در خور توجهی از علمای اهل سنت، امام علی (ع) را اولین مسلمان مرد معرفی کرده‌اند (جوینی، ۱۴۰۰: ۲۴۵/۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۳/۵۹۱). بنابراین، در نقل این حدیث نیز یافعی فقط از منابع اهل سنت استفاده کرده است و اظهاراتش خلاف منابع حدیثی شیعیان است.

از این رو یافعی با استناد به کتب روایی اهل سنت و بدون اعتنا به منابع شیعی، برای ابوبکر جایگاهی خاص بین خلفای راشدین در نظر گرفته است. وی ضمن بیان اشعاری، خلیفه اول را در فضل و برتری دارای شرافتی می‌داند و معتقد است دشمنان در کتاب‌هایشان از بیان آن فضائل ننگ و عار دارند^۶ (یافعی، ۱۴۱۷: ۵۸). بنابراین، وی برخلاف شیعیان، تعصب خاصی به خلیفه اول دارد و نه تنها فضائل فراوانی از وی نقل کرده است، بلکه کسانی را که از فضائل خلیفه اول یاد نمی‌کنند دشمن می‌داند؛ این دیدگاه او بیانگر تعصبش به مذهب اهل تسنن است.

۲.۲ دیدگاه یافعی درباره خلیفه دوم

یافعی ذیل حوادث سال ۲۳ ه.ق، ضمن بیان احادیثی از پیامبر (ص) درباره خلیفه دوم فضائلی را بیان کرده است که اکنون ضمن بیان مناقب خلیفه دوم از کتاب *مرآة الجنان*

یافعی، سه حدیث را درباره این مناقب در منابع شیعه و اهل سنت بررسی می‌کنیم تا با مقایسه محتوا و شیوه بیان یافعی با این منابع، دیدگاه وی درباره امام علی (ع) و گرایش مذهبی او مشخص شود.

یافعی، به نقل از بخاری، خلیفه دوم را شهید و دارای قصری در بهشت (همان: ۶۷)، به نقل از صحیح مسلم او را دیندار، به نقل از بخاری او را مصون از وسوسه شیطان، به نقل از صحیحین او را محدث، نابغه، از اولین ایمان‌آوردگان به قرآن، به نقل از بخاری از سروران پیران اهل بهشت و به نقل از ابوداود و ترمذی او را ستاره درخشان آسمان (همان: ۶۸) چراغ اهل بهشت، همراه حق، پیامبر احتمالی بعد از رسول خدا (ص)، شدیدترین و سخت‌ترین امت در راه خدا و فاروق نامیده است (همان: ۶۹). همچنین، روایتی از قول ابن مسعود نقل کرده است که از زمانی که عُمر اسلام آورد ما پیوسته ارجمند بودیم (همان: ۳۳). علاوه بر آن، یافعی خلیفه دوم را دارای فضائل بی‌شمار، دارای سیره نیکو، چراغ بهشت‌های جاویدان، آشکارکننده و یاری‌رسان دین، ذلیل‌کننده کفر و چراغ باغ‌های جاویدان توصیف کرده و گفته است کلام وی مطابق وحی است (همان: ۶۸). پس یافعی در *مرآة الجنان* بیش از پانزده فضیلت و لقب برای خلیفه دوم آورده است. همه این فضائل به نقل از منابع اهل سنت، به‌ویژه صحاح شش‌گانه، است (همان: ۵۹). مثلاً منابع استناد سه حدیثی را که یافعی در فضیلت خلیفه دوم نقل کرده است به تفصیل خواهیم آورد.

یافعی در شرح حوادث سال بیست‌وسوم هجری، عُمر را شهید نامیده است (همان: ۶۷). این مطلب در منابع اهل سنت مطرح شده، همان‌گونه که وی منبع خویش را در این حدیث، صحیح بخاری معرفی کرده است، در حالی که در منابع روایی شیعه این مطلب ذکر نشده و حتی برخی از علمای شیعه این حدیث را نقد کرده‌اند (امینی، ۱۳۸۷: ۷۳/۱۰). بنابراین، یافعی در انتساب عنوان «شهید» به خلیفه دوم از منابع روایی اهل سنت استفاده کرده است.

حدیث بعدی که یافعی درباره خلیفه دوم بیان کرده، روایتی است از رسول خدا (ص) به این مضمون که خلیفه اول و دوم از سروران پیران اهل بهشت‌اند (ابن‌ماجه،

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) ۲۴۷/

۱۴۱۸: ۷۱/۱: ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۳۲/۱: ابن‌حنبل، ۱۴۳۰: ۱۴۸)، در حالی که هیچ یک از علمای شیعه این روایت را در کتب روایی‌شان نقل نکرده و حتی برخی از علما آن را نقد کرده‌اند (امینی، ۱۳۸۷: ۳۲۲/۵). برخی از علمای اهل سنت هم این حدیث را نقد کرده‌اند، از جمله خطیب بغدادی در *تاریخ بغداد* می‌نویسد این حدیث ساختگی است و آن را عمر بن واصل یا کسی از زبان او ساخته است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۵۶/۱۰). بنابراین، یافعی این حدیث را فقط از منابع اهل سنت نقل کرده است.

سومین حدیثی که یافعی درباره خلیفه دوم نقل می‌کند حدیثی از پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «اگر بعد از من پیامبری می‌بود، آن پیامبر عُمر بود» (یافعی، ۱۴۱۷: ۶۹). این حدیث در برخی منابع مهم اهل سنت نیز آمده است (ترمذی، ۱۴۱۹: ۶۱۹). نکته دیگر اینکه، در کتب شیعه این روایت نیامده است. علمای شیعه معتقدند این حدیث با حدیث منزلت در تعارض است که در شأن امام علی (ع) بیان شده است. بنابراین، آن را با دلایل و شواهدی رد کرده‌اند (امینی، ۱۳۸۷: ۳۱۲/۵). بعضی از منابع اهل سنت نیز این حدیث را در شأن امام علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند (قشیری نیشابوری، بی‌تا: ۱۸۷۰: ۱۳۷۱: ۳۰۷). پس یافعی در بیان این فضیلت خلیفه دوم نیز فقط به منابع اهل سنت تکیه کرده است.

بنابراین، همه فضائل و مناقبی که یافعی درباره خلیفه دوم نقل کرده از کتب روایی اهل سنت است. وی در *مرآة الجنان* ضمن نقل هر حدیث، منبع خویش را بیان می‌کند که بیشتر از کتب صحاح شش‌گانه است. این در حالی است که نه تنها منابع حدیثی شیعه هیچ‌گونه فضیلتی را درباره خلیفه دوم نقل نکرده‌اند، بلکه بعضی از علمای شیعه آن فضائل را نقد کرده‌اند. از این رو یافعی در نقل احادیث مربوط به فضائل خلیفه دوم فقط به منابع اهل سنت مراجعه کرده است.

۳.۲. دیدگاه یافعی درباره خلیفه سوم

یافعی خلیفه سوم را با مناقب و صفات فراوانی توصیف کرده است. وی ذیل حوادث سال ۳۵ ه.ق. ضمن بیان احادیثی از پیامبر (ص) درباره خلیفه سوم فضائلی را درباره

وی آورده است که با بیان آنها و بررسی مستندات برخی از آنها، تمایزش را به استفاده از منابع اهل سنت و شیعه بررسی می‌کنیم.

یافعی، عثمان را، به نقل از بخاری و مسلم، وعده داده‌شده به بهشت، نوید داده‌شده به افطار در بهشت نزد رسول خدا (ص)، شهید، مردی باحیا (یافعی، ۱۴۱۷: ۷۸) و دارای عزت میان قوم خویش توصیف می‌کند. همچنین، در ادامه، خلیفه سوم را با صفاتی مانند مظلوم، ذوالنورین، حافظ قرآن، پارسا، عابد، دارای کرم می‌خواند و قاتلانیش را از «اشرار» می‌داند (همان: ۷۶). همه فضائلی که یافعی در تمجید از خلیفه سوم بیان کرده، به نقل از منابع اهل سنت، به‌ویژه صحاح شش‌گانه، است (همان: ۷۸/۱-۷۹). از باب نمونه منابع استناد سه حدیث از احادیثی را که یافعی در فضیلت خلیفه سوم نقل کرده است بررسی می‌کنیم.

یافعی در *مرآة الجنان* از فضائل عثمان «وعده داده‌شده به بهشت» را ذکر کرده است. وی تأکید کرده که این حدیث را از صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل کرده است. برخی منابع دیگر اهل سنت نیز این حدیث را آورده‌اند (ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ۲۰۹)، اما هیچ یک از منابع شیعی نه‌تنها این حدیث را نقل نکرده‌اند بلکه برخی آن را نقد هم کرده‌اند (امینی، ۱۳۸۷: ۹/۳۲۰).

حدیث دیگری که یافعی در فضیلت خلیفه سوم نقل کرده «حیای رسول خدا (ص) و ملائکه از عثمان» است. وی این حدیث را به نقل از صحیح مسلم آورده است. برخی منابع دیگر اهل سنت نیز این حدیث را نقل کرده‌اند (ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ۲۲۰). این در حالی است که نه‌تنها این حدیث در منابع روایی شیعه نقل نشده، بلکه برخی از علمای شیعه آن را نقد و رد کرده‌اند (امینی، ۱۳۸۷: ۵/۲۷۶). بنابراین، حدیث حیا فقط در کتب اهل سنت آمده است.

سومین حدیثی که یافعی در فضل عثمان نقل کرده، لقب «ذوالنورین» است. گرچه این لقب در برخی کتب اهل سنت نیز ذکر شده است، برخی علمای اهل سنت، از جمله ذهبی، این حدیث را رد کرده‌اند (ذهبی، ۱۹۶۳: ۴/۱۴۵). این حدیث نه‌تنها در هیچ یک از کتب روایی شیعه نیامده، بلکه بعضاً نقدهایی هم به آن شده است (امینی، ۱۳۸۷: ۵/۲۹۷).

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۴۹

بنابراین، احادیثی که یافعی در فضیلت خلیفه سوم نقل کرده است همگی از منابع روایی اهل سنت است که علاوه بر علمای شیعه، برخی از علمای اهل سنت نیز این احادیث را رد کرده‌اند.

چنان‌که گذشت یافعی برای سه خلیفه اول فضائل فراوانی نقل کرده است، مثلاً خلیفه اول را با صفات فراوان و یازده روایت از رسول خدا (ص) معرفی می‌کند. همچنین، وی خلیفه دوم را با شانزده حدیث توصیف می‌کند. عبدالله یافعی علاوه بر آن، منزلت خلیفه سوم را با دوازده حدیث معرفی می‌کند و اوصاف فراوانی را در فضیلت وی می‌نویسد. افزون بر آن، یافعی به اعتراف خود فضائل مربوط به سه خلیفه را فقط از منابع حدیثی روایی اهل سنت نقل کرده و به منابع شیعی هیچ استنادی نکرده است. با توجه به این شواهد و قرائن، یافعی با علمای شیعه و منابع شیعی هیچ هماهنگی‌ای ندارد و روشش همان روش علمای اهل سنت است.

نتیجه

سلسله نعمت‌اللهیه و شاخه‌هایش مانند گنابادیه، که از سلاسل صوفیه در میان شیعیان‌اند، می‌کوشند اقطابشان را شیعه معرفی کنند؛ یکی از این اقطاب شیخ عبدالله یافعی، استاد بلاواسطه سید نعمت‌الله ولی، است. بررسی دیدگاه یافعی درباره جانشینی رسول خدا (ص) و خلفای راشدین مهم‌ترین معیار برای تعیین مذهب وی است. او در کتاب تاریخی *مرآة الجنان* دیدگاه‌هایش را در این باره بیان کرده است. به عبارتی، می‌توان از طریق دیدگاهش درباره خلفای راشدین و جانشینی رسول خدا (ص) به مذهبش پی برد. او برخلاف شیعیان فضائل فراوانی برای سه خلیفه اول نقل کرده و تمام فضائل سه خلیفه در کتب صحاح را آورده است؛ حتی به خلیفه سوم تعصب خاصی دارد و قاتلانش را اشرار می‌داند. حوادث و وقایع مربوط به جانشینی پیامبر (ص) را به سه دسته تقسیم می‌کند: یا آن حوادث را مانند یوم الانذار و حدیث ثقلین اصلاً نقل نکرده، یا فقط به نقل آن وقایع و احادیث، مانند حدیث غدیر و حدیث منزلت، بسنده کرده و دلالتشان را بیان نکرده است، یا ضمن بیان وقایع و احادیث، آنها

را به گونه‌ای در کتابش آورده است که جانشینی و خلافت ابوبکر را توجیه کند، همانند حدیث وصایت و نمازخواندن ابوبکر به جای پیامبر (ص) علی‌رغم تذبذب در نقل این حدیث، نقل حدیث دوات و قلم برخلاف روایات شیعی و به نفع خلیفه اول، مشروع دانستن جریان سقیفه و نتایجش و پذیرش خلافت ابوبکر. اینها همه نشان از گرایش وی به اهل سنت دارد.

از طرف دیگر، یافعی به اعتراف خود، فضائل مربوط به سه خلیفه را فقط از منابع حدیثی‌روایی اهل سنت نقل کرده و به منابع شیعی هیچ استنادی نکرده است. بنابراین، با توجه به مواضع و دیدگاه‌های یافعی در *مرآة الجنان*، وی در قامت عالم اهل سنت ظاهر شده و هیچ گرایشی به تشیع ندارد و برخلاف ادعای نعمت‌اللهیه نمی‌توان او را شیعه دانست.

پی‌نوشت‌ها

۱. شیخ ما کامل و مکمل بود
گاه ارشاد چون سخن گفתי
یافعی بود نام عبدالله
قطب وقت و امام عادل بود
دُرّ توحید را نکو سفتی
رهبر رهروان آن درگاه
۲. بررسی مذهب یافعی از طریق دیدگاه‌هایش درباره امام علی (ع) در مقاله دیگری به قلم همین نویسندگان در حال تدوین است.
۳. یوم الدار یا حدیث عشیره.
۴. نک: ابن‌منظور، ۱۳۶۹: ۱۴/۳، فصل الخاء، ماده «خوخ». این جریان طبق نقل اهل سنت مربوط به اجازه پیامبر به بازماندن دریچه خانه ابوبکر به مسجدالنبی است.
۵. برخی از علمای اسلام حتی نقل این فضیلت‌ها را جعل حدیث در برابر مناقب علی بن ابی‌طالب (ع) می‌دانند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۷/۳).
۶. مقدم الفضل والعلیا له شرف فی ذکر کتب اعداء له عار.

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانیشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۵۱

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۷۸). *شرح نهج البلاغة*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۲.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغة*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن أبی شیبہ، عبد الله بن محمد (۱۴۲۹). *المصنف فی الاحادیث والآثار*، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبة الرشد.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۷). *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: ابو الفداء عبدالله قاضی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن تیمیة الحرانی، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۶). *منهاج السنة النبویة*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن بن علی (۱۴۱۸). *تذکرة الخواص*، قم: منشورات الشریف الرضی، ج ۳.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۴۱۸). *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۷.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۹۷۹). *الصواعق المحرقة*، مصر: مکتب القاهرة.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۳۰). *مسند الامام احمد بن حنبل*، قاهره: بی‌نا.
- ابن سعد، محمد بن سعد هاشمی بصری (۱۴۱۰). *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار العلم العلمیة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۶). *المناقب آل ابی طالب*، نجف: المکتبة الحیدریة، ج ۲.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۰). *کشف المحجبة*، تحقیق: محمد حسون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰). *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم: مطبعة الخيام.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله (۱۹۹۲). *الاستیعاب فی معرفة اصحاب*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۳.
- ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم (۱۳۶۳). *الامامة والسیاسة*، قم: منشورات الرضی، ج ۱.

- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (١٣٦٣). *الامامة والسياسة*، قم: منشورات الرضى، ج ٣.
- ابن كثير دمشقي، ابو الفداء اسماعيل بن عمر (بي تا). *البدایة والنهایة*، تحقيق: احمد ابو ملهم، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد (١٤٠٨). *سنن ابن ماجه*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (١٣٧٦). *مناقب آل ابی طالب*، قم: علامه، ج ٢.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد (١٤١١). *المناقب*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- امینی، عبد الحسین (١٣٩٧). *الغدیر فی الكتاب والسنة والأدب*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
- الآجری، ابو بكر محمد بن الحسین (١٤٢٠). *الشريعة، الرياض: دار الوطن*.
- بحرانی، سید هاشم (١٤١٦). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). *صحیح بخاری*، بیروت: دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (١٤١٧). *انساب الاشراف*، تحقيق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ج ٢.
- تابنده، علی (محبوب علی شاه) (١٣٧٧). *خورشید تابنده*، تهران: حقیقت، چاپ دوم.
- ترمذی، محمد بن عیسی (١٤١٩). *صحیح ترمذی*، تحقيق: احمد محمد شاکر، مصر: دار الحدیث، ج ١٣.
- ثعلبی، احمد بن محمد (١٤٢٢). *الكشف والبيان عن تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد (١٤٠٠). *فرائد السمطين فی فضائل المرتضى والبتول والسبطین والائمة من ذریتهم (ع)*، بیروت: چاپ محمدباقر محمودی.
- حاکم نیشابوری (١٤٠٦). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دار المعرفة، ج ٣.
- حسکاتی، عبید الله بن احمد (١٤١١). *شواهد التنزیل لقواعد التنزیل*، تحقيق: محمد باقر محمودی، بی جا: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- حلبی، علی بن برهان الدین (بی تا). *سیرة الحلبيّة*، بیروت: المكتبة الاسلامیة، ج ١ و ٣.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (١٤١٧). *تاریخ بغداد*، بیروت: چاپ مصطفی عبد القادر عطا، ج ١.
- دیاربکری، حسن بن محمد (بی تا). *تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس*، بیروت: مؤسسة شعبات.

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانیشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۵۳

ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۶۳). *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الفکر.
سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
سیوطی، جلال‌الدین عبد الرحمن (۱۴۱۴). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ج ۴، ۵ و ۶.

شاه نعمت‌الله ولی (۱۳۵۵). *رسائل*، ج ۱، ش ۷۲، تهران: انتشارات خانقاه نعمت‌اللهی.
شاه نعمت‌الله ولی (۱۳۸۶). *دیوان*، شماره ۷۱، تهران: انتشارات خانقاه نعمت‌اللهی.
شرف‌الدین، سید عبد الحسین (۱۴۰۲). *المراجعات*، بیروت: چاپ حسین راضی.
شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم بن ابی بکر أحمد (بی‌تا). *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفة، ج ۱.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰). *الامالی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: دار قاموس الحدیث.
عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶). *الصحيح من سيرة النبي*، قاهره: دار الحدیث.
غلام‌نژاد، فاطمه؛ سخایی، فرشته (۱۳۸۴). «احوال و آثار شیخ عبدالله یافعی»، در: *عرفان ایران: مجموعه مقالات*، ش ۲۴، ص ۲۰-۳۰.

فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات کوفی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قشیری نیشابوری، عبد‌الکریم بن هوازن (۱۳۷۴). *رساله قشیریہ*، تهران: علمی و فرهنگی.
مالک بن انس (۲۰۰۴). *الموطأ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مشایخ فریدنی، محمدحسین (۱۳۶۰). *آفتاب در آیینہ*، تهران: بی‌نام، ج ۶.
مظفر، محمدرضا (۱۳۱۶). *السقیة*، ترجمه: سید حسین مهدی الحسینی، قم: انصاریان.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق: مؤسسة آل البيت (ع)، قم: احیاء التراث.

مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۲۰). *امتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفلة والمتاع*، تحقیق: محمد عبد الحمید نمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

نباطی بیاضی، علی (۱۳۸۴). *الصراط المستقیم*، نجف: المكتبة الحیدریة.

نسائی، احمد ابن شعیب (۱۳۷۱). *خصائص النسائی*، تهران: مکتب نینوی الحدیثیة.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (بی‌تا). *الغیبة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق.

نیشابوری، مسلم بن حجّاج (۱۴۰۷). *صحیح مسلم*، تصحیح: محمد فواد عبد الباقي، قاهره: دار الحدیث، ج ۳.

واعظی، عبدالعزیز بن شیرملک (۱۳۳۵). *مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولی کرمانی*، تصحیح: ژان اوبن، تهران: انستیتو ایران و فرانسه قسمت ایران‌شناسی.

یافعی، عبدالله (۱۴۱۷). *مرآة الجنان*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.

References

- Akhtab Kharazm, Mowaffagh ibn Ahmad. 1990. *Al-Managheb (Virtues)*, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Al-Ajori, Abubakr Mohammad ibn al-Hosayn. 1999. *Al-Shariah (Islamic Law)*, Riyadh: Al-Watan House. [in Arabic]
- Ameli, Jafar Mortaza. 2005. *Al-Sahih men Sirah al-Nabi (The Correct Accounts from the Biography of the Prophet)*, Cairo: Hadith House. [in Arabic]
- Amini, Abd al-Hosayn. 1976. *Al-Ghadir fi al-Ketab wa al-Sunnah wa al-Adab (Al-Ghadir in the Book, Tradition and Literature)*, Qom: Al-Ghadir Center for Islamic Studies. [in Arabic]
- Baghawi, Hosayn ibn Masud. 1999. *Maalem al-Tanzil fi Tafsir al-Quran (Teachings of Revelation in the Interpretation of the Quran)*, Researched Abd al-Razzagh al-Mahdi, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Bahrani, Sayyed Hashem. 1995. *Al-Borhan fi Tafsir al-Quran (Argument in the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Bethah. [in Arabic]
- Balazori, Ahmad ibn Yahya. 1996. *Ansab al-Ashraf (Genealogies of the Nobles)*, Researched by Sohayl Zakar & Riyaz Zarakli, Beirut: Institute of Thought, vol. 2. [in Arabic]
- Bokhari, Mohammad ibn Ismail. n.d. *Sahih Bokhari*, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Diyarbakri, Hasan ibn Mohammad. n.d. *Tarikh al-Khamis fi Ahwal Anfos al-Nafis (The Date of Thursday in the Conditions of the Sublime Soul)*, Beirut: Shaabat Institute. [in Arabic]
- Forat Kufi, Abolghasem Forat ibn Ibrahim. 1989. *Tafsir Forat al-Kufi*, Tehran: Printing and Publishing Foundation in the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Arabic]
- Gholamnejad, Fatemeh; Sakhayi, Fereshteh. 2005. "Ahwal wa Athar Sheikh Abdollah Yafei (Biography and Works of Sheikh Abdollah Yafei)", in: *Iranian Mysticism: A Collection of Articles*, no. 24, pp. 20-30. [in Farsi]
- Ghoshayri Neyshaburi, Abd al-Karim ibn Hawazen. 1995. *Resalah Ghoshayriyah (Treatise of Ghoshayriyah)*, Tehran: Scientific & Cultural. [in Arabic]

- Hakem Neyshaburi. 1985. *Al-Mostadrak ala al-Sahihayn*, Beirut: Knowledge House, vol. 3. [in Arabic]
- Halabi, Ali ibn Borhan al-Din. n.d. *Sirah al-Halabiyah*, Beirut: Islamic Publication, vol. 1 & 3. [in Arabic]
- Haskani, Obaydollah ibn Ahmad. 1990. *Shawahed al-Tanzil le Ghawaed al-Tafzil*, Researched by Mohammad Bagher Mahmudi, n.p: Islamic Culture Revival Complex. [in Arabic]
- Ibn Abd al-Barr, Yusof ibn Abdollah. 1992. *Al-Estiyab fi Marefah al-Ashab (Acquisition of the Knowledge on the Companions)*, Beirut: Scientific Books House, vol. 3. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid. 1957. *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Beirut: Arab Heritage Revival House, vol. 12. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid. 1965. *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ibn Abi Sheybah, Abdollah ibn Mohammad. 2008. *Al-Mosannaf fi al-Ahadith wa al-Athar (A Book Compiled on Hadiths & Narrations)*, Researched by Kamal Yusof al-Hut, Riyadh: Al-Roshd Press. [in Arabic]
- Ibn Athir, Ali ibn Mohammad. 1986. *Al-Kamel fi al-Tarikh (Completion of History)*, Abu al-Feda Abdollah Ghazi, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 1943. *Al-Imamah wa al-Siyasah (Imamate and Politics)*, Qom: Al-Razi Publications, vol. 3. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Shahab al-Din Ahmad ibn Ali. 1997. *Fath al-Bari fi Sharh Sahih al-Bokhari*, Beirut: Scientific Books House, vol. 7. [in Arabic]
- Ibn Hajar Haythami, Ahmad ibn Mohammad. 1979. *Al-Sawaegh al-Mohraghah (The Incendiary Thunderbolts)*, Egypt: Cairo Press. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad. 2008. *Mosnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal*, Cairo: n.pub. [in Arabic]
- Ibn Jawzi, Abu al-Faraj Abd al-Rahman ibn Ali. 1997. *Tazkerah al-Khawwas (Provision for Gentlefolks)*, Qom: Al-Sharif al-Razi Publications, vol. 3. [in Arabic]

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۵۷

- Ibn Kathir Demashghi, Abu al-Feda Ismail ibn Omar. n.d. *Al-Bedayah wa al-Nehayah (The Beginning and the End)*, Researched by Ahmad Abu Molhem, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Majeh, Mohammad ibn Yazid. 1987. *Sonan Ibn Majeh*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad ibn Sad Hashemi Basri. 1989. *Al-Tabaghat al-Kobra (Upper Classes)*, Researched by Mohammad Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad ibn Ali. 1956. *Managheb Al Abi Taleb (Virtues of Abi Taleb's Family)*, Najaf: Al-Haydariyah Press, vol. 2. [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad ibn Ali. 1997. *Managheb Al Abi Taleb (Virtues of Abi Taleb's Family)*, Qom: Allameh, vol. 2. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1970. *Kashf al-Mahajjah*, Researched by Mohammad Hassun, Qom: Islamic Information Office. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1979. *Al-Taraef fi Marefah Mazaheb al-Tawaef (Anecdotes in Knowing the Religions of the Tribes)*, Qom: Al-Khayyam Press. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah al-Harrani, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1985. *Menhaj al-Sannah al-Nabawiyyah (The Method of the Prophetic Tradition)*, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Jowayni Khorasani, Ibrahim ibn Mohammad. 1979. *Faraed al-Semtayn fi Fazaal al-Mortaza wa al-Batul wa al-Sebtayn wa al-Aemmah men Zorriyatahom*, Beirut: Mohammad Bagher Mahmudi Press. [in Arabic]
- Khatib Baghdadi, Ahmad ibn Ali. 1996. *Tarikh Baghdad (History of Baghdad)*, Beirut: Mostafa Abd al-Ghader Ata Publication, vol. 1. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1982. *Behar al-Anwar al-Jameah le Dorar Akhbar al-Aemmah al-Athar (Vast Oceans of Light Containing the Selected Narrations of the Infallible Imams)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Malek Ibn Anas. 2004. *Al-Mowatta*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Mashayekh Fereydani, Mohammad Hoseyn. 1981. *Aftab dar Ayineh (Sun in the Mirror)*, Tehran: n.pub, vol. 6. [in Farsi]
- Meghrizai, Taghi al-Din. 1999. *Emta al-Asma be Ma le al-Nabi men al-Ahwal wa al-Amwal wa al-Hafdah wa al-Mata (Enjoying Listening to the Prophet's Affairs,*

- Wealth, Grandchildren and Belongings*), Researched by Mohammad Abd al-Hamid Namisi, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1992. *Al-Ershad fi Marefah Hojajellah ala al-Ebad (Guidance to the Cognition of the Representatives of God over People)*, Researched by Al al-Bayt (AS) Institute, Qom: Sheikh Mofid Congress. [in Arabic]
- Mozaffar, Mohammad Reza. 1937. *Al-Saghifah*, Translated by Sayyed Hosayn Mahdi al-Hosayni, Qom: Ansariyan. [in Arabic]
- Nabati Bayazi, Ali. 1964. *Al-Serat al-Mostaghim (The Straight Path)*, Najaf: Al-Haydariyah Press. [in Arabic]
- Nesai, Ahmad ibn Shoayb. 1992. *Khasaes al-Nesai*, Tehran: Nineveh Hadith Office. [in Arabic]
- Neyshaburi, Moslem ibn Hajjaj. 1986. *Sahih Moslem*, Researched by Mohammad Foad Abd al-Baghi, Cairo: Hadith House, vol. 3. [in Arabic]
- Nomani, Mohammad ibn Ibrahim. n.d. *Al-Ghaybah (Occultation)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Al-Sadugh Press. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 1979. *Al-Amali*, Beirut: Al-Alami Institute for Publications. [in Arabic]
- Saffar Qomi, Mohammad ibn Hasan. 1983. *Basaer al-Darajat (Insights Degrees)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Shah Nematollah Wali. 1976. *Rasael (Treatises)*, vol. 1, no. 72, Tehran: Nematollahi Monastery Publications. [in Farsi]
- Shah Nematollah Wali. 2007. *Diwan (Poetry)*, no. 71, Tehran: Nematollahi Monastery Publications. [in Farsi]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim ibn Abubakr Ahmad. n.d. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Researched by Mohammad Seyyed Gilani, Beirut: Knowledge House, vol. 1. [in Arabic]
- Sharaf al-Din, Sayyed Abd al-Hosayn. 1981. *Al-Morajeat (References)*, Beirut: Hoseyn Razi Press. [in Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman. 1993. *Al-Dorr al-Manthur fi al-Tafsir be al-Mathur (The Narrative Pearl in the Interpretation of the Quran by Narrations)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, vol. 4, 5, 6. [in Arabic]

دیدگاه یافعی در *مرآة الجنان* درباره جانیشینی پیامبر (ص) و جانشینانش (خلفای سه‌گانه) / ۲۵۹

- Siyuti, Jalal al-Din. 1983. *Al-Dorr al-Manthur fi al-Tafsir be al-Mathur (The Narrative Pearl in the Interpretation of the Quran by Narrations)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Tabandeh, Ali (Mahbub Ali Shah). 1998. *Khorshid Tabandeh (Shining Sun)*, Tehran: Truth, Second Edition. [in Farsi]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. n.d. *Tarikh al-Omam wa al-Moluk (History of Nations and Kings)*, Beirut: Hadith Dictionary House. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1985. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Knowledge House. [in Arabic]
- Termezi, Mohammad ibn Isa. 1998. *Sahih Termezi*, Researched by Ahmad Mohammad Shaker, Egypt: House of Hadith, vol. 13. [in Arabic]
- Thalabi, Ahmad ibn Mohammad. 2001. *Al-Kashf wa al-Bayan an Tafsir al-Quran (Clarification and Explanation of the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Waezi, Abd al-Aziz ibn Shir Malek. 1956. *Majmueh dar Tarjomeh Ahwal Shah Nematollah Wali Kermani (Biography of Shah Nematollah Wali Kermani)*, Edited by Jean Aubin, Tehran: Institute of Iran and France, Iranian Studies Section. [in Farsi]
- Yafei, Abdollah. 1996. *Merat al-Jenan (Mirror of Heaven)*, Beirut: Scientific Books House, vol. 1. [in Arabic]
- Yaghubi, Ahmad ibn Eshagh. n.d. *Tarikh Yaghubi*, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1963. *Mizan al-Etedal (Balance of Moderation)*, Researched by Ali Mohammad Bejawi, Beirut: Knowledge Institute. [in Arabic]